

حق همسایگی امام مهربان



پژوهشگر
دکتر مهدی یارمحمدی - خراسان

یازدهم ذی القعدة سال ۱۴۸ هجری، امام هشتم^(ع) حضرت خورشید، به عنوان سرچشمه ای از نیکی و مهربانی و هدایت رخ نمودند تا پناهگاهی پدید آید که آزاداندیشان رادکنار خود گرد آورد. در سبک زندگی و رفتار امام هشتم^(ع) آمده است که «ایشان بسیار مهربان و خوش برخورد بود. هرگز باگفتارش دل فردی را نرنجاند و به کسی اهانت نکرد. هیچ گاه به فردی ناسزا نگفت و به احدی دشنام نداد. هرگز سخن فردی را قطع نمی کرد و اجازه می داد که شخص، سخنانش را تمام کند و به آخر رساند. باکسی به درشتی سخن نمی گفت. روش ایشان این بود که صبر می کرد تا سخن گوینده تمام شود. سپس نظر خویش را درباره سخنان او ابراز کند. پای خود را هنگام نشستن در حضور دیگران که مقابل یا اطرافش نشسته بودند، دراز نمی کرد. خوی نیکو، حلم و بردباری را از پدر بزرگوارش به ارث برده بود و در برابر افراد جاهل و گستاخ با بردباری مواجه می شد. در حضور دیگران به دیوار تکیه نمی زد و این را خلاف ادب و احترام حضار می دانست. با صدای بلند نمی خندید، بلکه خنده ایشان تبسم بود. میهمان را گرمی می داشت و او را به کاروانمی داشت. وقتی سفره پهن می کرد، بزرگان و خدمه و حتی دربان ها و نگهبانان نیز با او بر سفری می نشستند. خوابش کم بود. کارهای نیک و صدقه های پنهانی فراوانی داشت و اکثر آن ها را در شب تا اتمام می داد. در برخورد با بزرگان، خدمه، زبردستان، کنیزان و غلامان ارزش های انسانی و اخلاقی را همواره مدنظر قرار می داد. یکی از وظایف مهم و حیاتی خویش را کمک به فقرا و محرومان می دانست و...». برشمردن ویژگی های اخلاقی حضرت، کار بسیار بزرگی است که از عهده چنین قلم و کلامی آید و این چند جمله تنها شمه ای از سجایای اخلاقی و سبک زندگی امام هشتم^(ع) بود که مورخان آن را نگاشته اند. علاوه بر آنچه ذکر شد، ایشان چند ویژگی بسیار مهم دارند؛ **اول**؛ راضی و رضا هستند؛ یعنی زود می گذرند. امام جواد^(ع) می فرماید: «خدا پدرم را رضا نامیده، چون پسندیده خدا در آسمان بود و رسول خدا^(ص) و ائمه هدی در زمین از او خشنود بودند». پرسیدند: «آیا همه پدران گذشته شما، پسندیده خدا و رسول و ائمه نبودند؟» فرمودند: «بله بودند». پرسیدند: «پس چرا تنها آن حضرت «رضا» نامیده شد؟» فرمودند: «زیرا همان گونه که دوستان و موافقان ایشان از حضرت راضی بودند، دشمنان و مخالفان نیز از ایشان راضی بودند»، چنین ویژگی برای هیچ کدام از پدران حضرت وجود نداشت و بدین سبب است که میان آنان، حضرت رضا نامیده شده اند. **دوم**؛ امام رافت و مهربانی هستند. این لقبی است که بعد از شهادت امام به آن حضرت داده شده است و دلیلش، شهرت ایشان به برآورده کردن حوائج زائران است. اولین وارد رعیون اخبار رضایین لقب آمده و بعد از آن توسط دیگران استفاده شده است. **سوم**؛ ایشان همچون نیاکان بزرگوارشان، از مقام علمی بسیار والایی برخوردار بودند. تا آنجا که حضرت را عالم آل محمد^(ع) لقب داده اند. بیست و چند سال بیشتر نداشتند که در مسجد رسول...^(ص) به فتوی می نشستند. علمشان، بیکران و رفتارشان، پیامبرگونه و حلم و رافت و احسانشان، شامل خاص و عام بود. دورانی که امام رضا^(ع) در آن زندگی می کردند، عصر شکوفایی علم و سرازیر شدن علوم مختلف ملت ها و تداخل فرهنگی مردمان آن روزگار بود. در این زمان، پیشرفت علوم باعث پیدایش افکار و عقاید انحرافی و مشرب های فکری گوناگون کلامی و فلسفی شده بود که همین امر، چالشی جدی در برابر عقاید و آموزه های ناب اسلامی و شیعی به شمار می رفت. امام رضا^(ع) یاد رک این خطر ها و تهدید ها از فرصت پیش آمده نهایت بهره برداری را بردند و به روشنگری های فراوان در زمینه تبیین عقاید اسلامی و نمایاندن راه مستقیم الهی دست زدند. مشهد مقدس، شهر شهادت، شهر عشق، ملجأ و پناهگاه شیدایان اامت و ولایت، مطاف و مهبط ملایک پروردگار است. اینجا مرکز بارش نور معرفت و اجلال معنویت است و این همه به خاطر وجود مبارک والهی حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) است که به این شهر قدس و ارزش بخشیده است. همسایگی و مجاورت ایرانیان با امام مهربانی ها و عالم آل محمد^(ع)، توفیق و نعمتی است که بی شک خداوند متعال از چگونگی بهره مندی ما از این فرصت در روز قیامت سؤال می کند. مگر نه این است که بر اساس آموزه های دینی ما، همسایه بر همسایه حقی دارد که باید برای ادای آن اهتمام ورزد؟ پس اکنون که ایرانیان در بهره مندی از مجاورت بهترین همسایه توفیق داشته اند، باید فرهنگ و سبک زندگی رضوی رادر همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی خود جاری سازند و خود را در محضر امام ببینند و رفتار و گفتار و کردار خویش را با آموزه های رضوی، همسو و هماهنگ کنند و بر خود ببالند که امروز سایه امام هشتم^(ع) بر سر زمین ایران و بر سر ایرانیان مستدام است.

هجرت خورشید

مروری کوتاه بر سفر طولانی امام رضا^(ع) از مدینه به مرو

نیلوفر نویدی | **اواخر تابستان بود. اهواز گرم بود و مرطوب. هنگامی که امام رضا^(ع) به اهواز رسیدند، آب و هوا به ایشان نساخت و در بستر بیماری افتادند. برای حضرت طبیب آوردند. به طبیب فرمودند: «برایم نیشکر بیاور.» طبیب گفت: «یافت نمی شود؛ تابستان است و نیشکر، گیاه زمستان!»، حضرت فرمودند: «به دنبالش بگرد.» طبیب با راهنمایی امام به دنبال نیشکر گشت. آن را پیدا کردند و برای امام آوردند. او امام است. بر همه علوم احاطه دارد.**

- بصره تا اهواز

امام رضا^(ع) در تاریخ هشتم صفر (۱۹ شهریور) از بصره راه می افتند و در تاریخ ۱۶ صفر (۲۷ شهریور) به اهواز می رسند. فاصله بصره تا اهواز آن موقع ۹ منزل و ۳۶ فرسنگ بوده است. اما آمار دقیقی از نام منزلگاه هایی که امام در آن توقف کردند، وجود ندارد. لازم به ذکر است که امروزه در شهر شوشتر و دزفول، بناهایی وجود دارد که طبق قول برخی ها، محل عبور امام از آن شهر ماست. اما باتوجه به نقشه مسیر حرکت امام، می توان گفت که ایشان از شوشتر و دزفول گذر نکردند، پس هیچ کدام از آن ها سندیت تاریخی نیز ندارند.

- به سوی فارس

امام رضا^(ع) در تاریخ ۱۶ ربیع الاول (۲۵ مهر) از اهواز حرکت می کنند و در روز ۲۶ همان ماه (۵ آبان) به فارس می رسند. باتوجه به نشانه ها و داستان های تاریخی، می توان حدس زد که حضرت هنگام خروج از اهواز، از بل اربک عبور کرده و به شهر ارجان یعنی همان بهبهان امروزی رفته اند. هم اکنون در این شهر، بنایی موسوم به قدمگاه امام رضا^(ع) وجود دارد. در داستان ها آمده است که مردم ارجان به شغل پرورش گل مشغول بودند. هنگامی که امام وارد شهرشان می شوند، برای خوش آمدگویی، دسته گل نرگسی به خدمت ایشان می برند. حضرت گل ها را می بویند و برای برکت محصول و آبادی آن زمین، داعی کنند. دشت گل نرگس بهبهان از آن موقع تا هم اکنون، بهترین نرگس های جهان را دارد و درحال حاضر نیز این گل را به سراسر دنیا صادر می کنند. پس از توقف در این منزل، امام رضا^(ع) از مسیر ایرکوه به سمت یزد کنونی که از توابع شهر اصطخر قدیم بوده است، به سوی مرو می روند.

- به سوی یزد

در آن زمان شهر یزد امروزی، کویر و بیابان بوده و شهری در آنجا نبوده است. اما در روایات آمده است که امام رضا^(ع) از مسیر کویر به سمت مرو رهسپار شدند. همین روایات، احتمال گذر امام از آن بیابان ها یعنی شهر یزد امروز را تقویت می کند. علاوه بر این موضوع، بناهایی نیز مثل قدمگاه در آنجا وجود دارد که مردم برای داشتن یادگاری از حضور امام از آن منطقه، آن ها را ساخته اند. طبق گفته مورخان، امام رضا^(ع) از قم نیز عبور نکردند؛ زیرا مأمون به مأموران همراه حضرت، دستور داده بود تا ایشان را از شهرهایی به مرو برسانند که شیعه کمتری در آن ها حضور داشته باشد. قم مرکز تجمع شیعیان بود و بنابراین احتمال حضور امام در این شهر، به صفر می رسد.

- یزد تا نیشابور

روایت مشخص این است که حضرت در روز بیستم ربیع الثانی، از یزد خارج شدند و در تاریخ هفتم جمادی الاول به نیشابور رسیدند. مردم نیشابور استقبال بسیار گرمی از امام کردند. نیشابور در آن زمان، شهر بزرگی بوده و مدارس و مساجد و همچنین علمای بسیاری داشته است و حضور حضرت در نیشابور، نیز آثار و برکات فراوانی را به دنبال دارد. حضور امام در این شهر، با استقبال مردمش رویه رومی شود و هنگامی که حضرت قصد ترک شهر را داشتند، مردم بسیار غصه دار بودند و شیون و گریه وزاری سری دادند.

شکر

شهریارNEWS.IR
شنبه
۷ دی‌ماه ۱۴۴۵
شماره ۴۲۱۹

۱۴



عزیز



صدای خنده های زائران کوچک

یکی دیگر از آداب زیارت، زیارت با حس و حال و شادابی و نشاط است. زیارت خانوادگی، یکی از تجربه های خوب ما در کودکی است. حواسمان باشد که مدت زمان زیارت برای خودمان و کودکان، بدون مزاحمت برای دیگران، مسرت بخش و خاطره انگیز باشد. امام صادق^(ع) فرمودند: «حتی در طواف زیارت خانه خدا تاتشنه هستید، بیرون بیایید». این تأکید را که زیارت و طواف و به طور کلی اعمال مستحبی را با رنج و سختی و کسالت و خستگی انجام ندهیم، مدنظر قرار بدهیم. به عنوان والد طوری برنامه ریزی کنیم که در زیارت و مستحبات و اعمالمان، شادابی و جان زیارت را مدنظر داشته باشیم و رعایت حال همراهان به خصوص کودکان و افراد سال خورده برای زیارتی با کیفیت و با خاطره خوش، ضروری است.

در این شهر لیخند بزنید!

همه آنچه باید در مورد خدمت به زائران بر اساس باورهای دینی بدانیم

وقتی همه خادم الرضاییم

حمیده ذاکری اتوی دلمان می گوئیم خوش به سعادتشان!
هوبار که به زیارت آستان علی بن موسی الرضا^(ع) می رویم، بعد از سلام و صلوات، چشمانم که به جمال خادمان حرم مطهر رضوی روشن می شود، به حالشان غبطه می خوریم و با خودمان می گوئیم کاش ما هم می توانستیم ساعتی جای آن ها باشیم، خوش به سعادتشان! گاهی وقت ها به طرفشان می رویم و خداقوت می گوئیم و از آن ها می خواهیم به عنوان خادمان این آستان برای ما دعا کنند. دعا کنند تا ما هم روزی یکی از خادمان خانه علی بن موسی الرضا^(ع) باشیم، درحالی که حواسمان نیست خانه خورشید هشتم، تنها جغرافیای حرم مطهر نیست و همه مشهد خانه ایشان است؛ خانه ای به نام مشهد الرضا^(ع) که هر کدام از ما مشهدی ها به عنوان اهالی آن، بدون نیاز به نشان و عنوانی خاص، یکی از میزبانان آن هستیم؛ میزبانانی که خدمت به زائر و میهمانان علی بن موسی الرضا^(ع) میراثشان است؛ میراثی که ادب و آدابی دارد؛ ادب و آدابی که هم در سیره ائمه اطهار^(ع) آمده و هم در آموزه های دین اسلام بر آن تأکید شده است.



هدیه ای که عزیز و گرامی است

مهمان نوازی و خدمت به مهمان، کاری است که خیلی برای ما ایرانی ها سخت و دشوار نیست؛ زیرا از همان کودکی آموخته ایم مهمان حبیب خداست و با حبیب خدا باید با رسم و متر و معیار پروردگار برخورد کرد. خوب است بدانیم که نه تنها در اسلام، مهمانی اهمیت دارد که مهمان نیز از موقعیت و احترامی ویژه برخوردار است. تا آنجا که هدیه ای آسمانی تلقی شده است، چنان که رسول خدا^(ص) می فرمایند: «هنگامی که خداوند اراده کند به جمعیتی نیکی کند، برای آن ها هدیه می فرستد». پرسیدند: «آن هدیه چیست؟» فرمودند: «میهمان است که روزی اش را با خود وارد می آورد و گناهان اهل خانه را با خود می برد» (ایباتی، ۱۴۱۸ق؛ ۸۲). پس لازم است با این هدیه در شأن و مقامش برخورد کنیم. رعایت این شأن، هم در اسکان زائر، هم در سایر خدمات رفاهی صفحه است و آنچه ارانه می شود، باید در حد مقام و منزلت این میهمان عزیز باشد.



خوش خلقی یکی از آداب و دستورهای مهم پیشوایان معصوم^(ع) است. انسانی که ویژگی های ذاتی نیکویی مانند خوشرویی، تواضع و ادب را داراست، نه تنها زندگی را به کام خود شیرین می کند، بلکه اطرافیانش نیز از هم نشینی با وی لذت می برند. پیامبر اسلام^(ص) در سفری که عازم مکه بودند، فرمودند: «مَنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ فَلَا يَصْخُبْنَا، هر که بد خلق است، با ما مصاحبت و همراهی نکند». پیامبر^(ص) با آن شأن والای خود در سفرهای زیارتی، چنین نکاتی را توجه می دادند. حال ما که مجاور حرم رضوی هستیم و ممکن است مدام با زائران امام هشتم^(ع) در تماس باشیم، به حسن معاشرت خود، به عنوان یک ویژگی همیشگی باید توجه کنیم.

در این زمینه امام صادق^(ع) نیز می فرمایند: «لَيْسَ مَثَلُ مَنْ لَمْ يُحْسِنْ صُحْبَتَهُ مَن صُحْبَةٍ وَ مُرَافَقَةٍ مِّنْ رَّافِقَةٍ وَ مُمَالَحَةٍ مِّنْ مَّالِحَةٍ وَ مُخَالَفَةٍ مِّنْ خَالَفَةٍ، از ما نیست کسی که با همراهانش حسن معاشرت نداشته باشد و با دوستانش، دوستی و مدارا نکند و نمکی را که می خورد، نمک شناس صاحبش نباشد و با آن که همراه است، حسن خلق نداشته باشد».

